

## فلسفه میان‌فرهنگی

### سخن دبیر :

به دنبال مباحث فلسفه تطبیقی که در شماره 154 منتشر شد و نکاتی از نسبت‌سنجی آن با فلسفه میان‌فرهنگی نیز مطرح شد، این شماره به فلسفه میان‌فرهنگی اختصاص یافته است. در این باب، اگرچه گاه این دو به اشتباه، یکسان پنداشته شده‌اند<sup>1</sup> اما در نسبت میان آن‌ها، برخی به طرح کالتوریزم تطبیقی و میان‌فرهنگی ذیل فلسفه تطبیقی، هنگامی که در واقع، فلسفه تطبیقی به پارادایم فرهنگ رسیده است، توجه نموده‌اند<sup>2</sup> و مباحث دیوید هال با رویکرد پراگماتیک را آغاز این بحث‌ها در توجه به فرهنگ اندیشی دانسته‌اند.<sup>3</sup> در مقابل، اندیشمندان میان‌فرهنگی به تفکیک و مرزبندی فلسفه میان‌فرهنگی از فلسفه تطبیقی نظر داده‌اند.<sup>4</sup> البته در میان فیلسوفان میان‌فرهنگی، هستند کسانی مانند پاول<sup>5</sup> که از مشترکات فلسفه تطبیقی و میان‌فرهنگی سخن گفته‌اند چرا که هر دو به مقایسه فرهنگ‌های مختلف و فلسفه‌های پدید آمده در آن‌ها نظر دارند.<sup>6</sup> همچنین، در اندیشه رام ادهرمال، اصطلاح فلسفه تطبیقی در کنار فلسفه میان‌فرهنگی به کار می‌رود و اشاره می‌شود که:

«فلسفه تطبیقی، یک گرایش میان‌فرهنگی در فلسفه را پیش فرض می‌گیرد.»<sup>7</sup>

چرا که فرض تعدد فلسفه بنا به سنت‌های فرهنگی مختلف و امکان تطبیق بین آنها، بی‌ارتباط به گرایش میان‌فرهنگی نیست. همچنین، ادهرمال معتقد است که فلسفه میان‌فرهنگی، بی‌نیاز از تطبیق فلسفی نیست و بدون آن، پایش لنگ است: «فلسفه تطبیقی بدون فلسفه میان‌فرهنگی کور است و فلسفه میان‌فرهنگی بدون فلسفه تطبیقی لنگ است.»<sup>8</sup>

و معتقد است که کار فلسفه میان‌فرهنگی، ضابطه‌مند کردن شرایط فلسفه تطبیقی است.<sup>9</sup> تا از مطلق کردن و مرکزپنداری یک سنت فکری و فلسفی و حتی مطلق کردن یک متن یا یک تفسیر از متن، بپرهیزد.<sup>10</sup> لذا، شرط لازم امکان یک فلسفه تطبیقی است.<sup>11</sup>

اما دیگر اندیشمندان این حوزه، از انفکاک این دو و جایگزینی فلسفه میان‌فرهنگی در نسبت با فلسفه تطبیقی سخن رانده‌اند. چنانکه هاینس کیمرله<sup>12</sup> در نقد اندیشه ادهرمال، اشاره کرده است که این نیاز در اندیشه او وجود دارد که مرز مشخصی میان فلسفه میان‌فرهنگی و فلسفه تطبیقی ایجاد شود.<sup>13</sup> و یا پروفیسور فرانتز مارتین ویمر که در عین اشاره به تقدم فلسفه تطبیقی در توجه به فلسفه‌های غیرغربی، تبیین می‌کند که فلسفه میان‌فرهنگی علاوه بر تداوم این رویکرد، در توجه به ضرورت تاریخ‌نگاری جدید در فلسفه که به جای اروپامحوری، نگرشی جهان‌شمول داشته باشد و در چتر گسترده‌تری که از فلسفه چین و هند تا توجه به انواع فلسفه‌های آفریقا و آمریکای لاتین را مد نظر قرار داده است؛<sup>14</sup> از فلسفه تطبیقی متمایز می‌شود. در ادامه نیز، ضمن اشاره به وظایف و اهداف متمایز فلسفه تطبیقی و میان‌فرهنگی<sup>15</sup> از روش پولی‌لوگ به عنوان یک روش جایگزین

صحبت می‌کند<sup>16</sup>. البته تعیین دقیق نسبت فلسفه تطبیقی و فلسفه میان فرهنگی، تفصیل و تعمیق بیشتری می‌طلبد و پیش از آن نیازمند شناخت ماهیت آن دو و طرح و فهم مطالب و مواضع طرفین است.

فلسفه میان فرهنگی، اگرچه گاهی از آن به عنوان یک رشته و شاخه فلسفی سخن رفته است<sup>17</sup> اما رویکرد عمده در تعریف آن، به عنوان یک رهیافت است که با تعبیر مختلفی مانند بینش، برنامه تنظیمی و یا تعهد اخلاقی، از آن یاد شده است. بینشی که با گذر از مطلق‌انگاری و خود مرکزیت‌پنداری، متواضع، گشوده به دیگری و تنوع‌نگر است و قابلیت طرح و بسط در شاخه‌های معرفتی مختلف و از جمله فلسفه را دارد. در فلسفه میان فرهنگی، هم از چیستی فلسفه سخن می‌رود که فلسفه به تعبیر رام ادهر مال، سفید است و در انحصار زبان، رنگ و نژاد خاصی نیست<sup>18</sup> و هم فرهنگ را از نظر دور نمی‌دارد که در عین آن که فلسفه جهان شمول است؛ اما در خاک فرهنگ نیز ریشه دارد و به موازات تعدد فرهنگ‌ها از فلسفه‌ها و نه فلسفه، سخن می‌راند و با رویکردی کوپرنیکی، نگرش بطلمیوسی فلسفه اروپائی و غربی خودانگار و هر نوع مرکزیت‌گرایی دیگری را به چالش می‌کشد. مولفه میانیّت آن هم، دلالت بر در میانه بودن و زیستن میان خود و دیگری است. در واقع، وصف میان فرهنگی خود را از فرافرهنگی و چندفرهنگی متمایز می‌کند تا ترابط و پولی‌لوگ آگاهانه و داوطلبانه میان فرهنگ‌ها را به تصویر بکشد.

علاوه بر دلایل درونی فلسفه در نسبت مسائل و پرسش‌های فلسفه با فرهنگ و تواضع معرفتی در پرهیز از تعصب و ادعای مالکیت حقیقت، دلایل بیرونی شرایط جهان معاصر در تکررات فرهنگی و کم‌رنگی مرزهای فرهنگی، جنبش‌های اجتماعی قرن بیستم، مباحث فیلسوفان تمایز و نفی اروپا-محوری نیز، در پیدایش و خاستگاه اولیه فلسفه میان فرهنگی موثر بوده‌اند.<sup>19</sup> اولین حلقه و انجمن فلسفه میان فرهنگی، توسط رام ادهر مال در سال 1991 در کلن آلمان شکل می‌گیرد. او یک اندیشمند هندی الاصل است که از شرق به سوی غرب رفته و ضمن استفاده از داشته‌های شرقی و هندی و به عنوان یک شخصیت دورگه فرهنگی، به خوانشی شرقی از فلسفه میان فرهنگی دست یافته است. در کنار رویکرد پراگماتیکی کسانی چون دیوید هال، می‌توان از دو رویکرد دیگر نیز نام برد. یکی رویکرد هرمنوتیکی در کار کسانی چون رام ادهر مال، کیمرله و ویمر که بر روی مسئله فهم دیگری و گفت و گو تأکید داشته‌اند و دیگری، رویکرد پدیدارشناختی توسط کسانی چون رومباخ، والدنفلس<sup>20</sup> و گئورگ اشتنگر است<sup>21</sup> که بر تجربه دیگری و ظهور آن برای من متمرکز می‌شود.

بدینسان، با دوری از غفلتی که لویناس در توجه به دیگری در طول تاریخ فلسفه غرب متذکر شده بود، مباحثی از هرمنوتیک گادامری تا هرمنوتیک آنالوژیک ادهرمال و هرمتیک شکل گرفت تا از دیگری من، به فهم دوسویه و کم‌گوئی و سکوت من تا ظهور دیگری برسد. همچنین، گفت و گو با دیگری در مدل ناگاسنائی<sup>22</sup> ادهرمال تا مدل سقراطی کیمرله و پولی لوگ ویمر، کوشیدند تا شرایط، محتوا و فورم گفت و گو را به تصویر بکشند و حقیقت بر آمده از گفت و گو در سایه مشارکت فرهنگ‌ها را به بحث بنشینند.

از این رو، در این ویژه‌نامه، ضمن پرسش‌ها و گفت و گوهایی که در مصاحبه‌ها شکل گرفته و یا مقالاتی که ارائه شده است، به ماهیت فلسفه میان‌فرهنگی در چه هستی و چه نیستی آن، خاستگاه اولیه و پیدایش فلسفه میان‌فرهنگی، غرض، روش شناسی و رویکردهای متنوع هرمنوتیکی و پدیدارشناختی، ابعاد و لوازم آن در نظام آموزشی مانند رویکرد میان‌فرهنگی در علوم انسانی و تاریخ‌نگاری نوین فلسفه، پرداخته شده است. همچنین، به انتقادات فلسفه میان‌فرهنگی به فلسفه تطبیقی نیز، توجه شده است تا نقاط خلاف و وفاق واقعی میان آن دو، فرصت طرح برای مباحث جدی‌تر را بیابند.

جهت آشنایی بیشتر با شخصیت‌های برجسته جهانی در رویکرد هرمنوتیکی، دو مقاله از رام ادهر مال و پروفسور فرانتس مارتین ویمر، در روش شناسی و مسائل فلسفه میان‌فرهنگی ارائه شده است. در رویکرد پدیدارشناختی نیز، مقاله‌ای از پروفسور گئورگ اشتنگر، استاد کرسی فلسفه جهانی گلوبال و صاحب کرسی فلسفه میان‌فرهنگی دانشگاه وین، با بحث تمایز، به این مجموعه اضافه شده است.

اگرچه به نحوی نگرش میان‌فرهنگی در اروپا شکل گرفته است اما فرهنگ‌های شرقی نیز کوشیده‌اند تا ظرفیت‌های خود را در این زمینه فعال سازند. چنانکه تلاش‌های ادهرمال، در بازخوانی و نشان‌دادن ظرفیت فلسفه و فرهنگ هندی به جهت مشارکت در گفت و گوی جهانی و مدرسه کیوتو و ظرفیت‌های فرهنگی ژاپن، گویای آن هستند. در همین راستا، این ویژه‌نامه کوشیده است تا علاوه بر ادهرمال و مقاله‌ای از پروفسور ریوزوکه اهاشی، فرهنگ ایران و ظرفیت‌شناسی آن در این زمینه را، هر چند به شکل اجمالی، مورد بازخوانی قرار دهد.

لذا، به موازات تلاش‌های رام ادهر مال، پروفسور عبدالجواد فلاطوری نیز-که با رام ادهر مال هم، آشنا بوده و گفت و گوهایی داشته است- به عنوان یکی از اولین اساتید ایرانی‌تبار در آلمان که به دیالوگ بین‌فرهنگی و بین‌الادیانی پرداخته است، در اینجا مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک گفت و گو گر فرهنگی در مقیاس جهانی، به تصویر کشیده شده است. همچنین، ضمن مباحث مبنایی در فلسفه میان‌فرهنگی، جهت آشنایی بیشتر با انجمن فلسفه میان‌فرهنگی در ایران و تلاش‌های انجام شده در این راستا، با اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر علی‌اصغر مصلح و جناب آقای دکتر محمدرضا بهشتی، گفت و گو شده است.

بازخوانی جامعه شناختی تاریخ و فرهنگ ایران نیز، از نظر دور نمانده است. چه این که ایران، علی‌رغم بیگانه‌ستیزی در طول تاریخ خود، به دلیل شرایط جغرافیایی و فرهنگی به عنوان چهار راه تمدن، دارای خصیصه بینانیت و پلی میان فرهنگ شرق و غرب بوده است. فرهنگی متنوع و انسانی که دارای تسامح بوده است، آن چنانکه در پاسخ به مونتسکیو و همراه با دکتر عبدالحسین زرّین کوب می‌توان دوباره پرسید که «چگونه می‌توان یک ایرانی نبود؟»<sup>23</sup> و از این رو، می‌تواند ظرفیت خود را در گفتمان جهانی نشان دهد. در این راستا، گفت و گو با جناب آقای دکتر مقصود

فراسخواه، به تاملی جامعه‌شناختی بر ظرفیت‌ها و چالش‌های فرهنگ ایران در این زمینه پرداخته است.

علاوه بر ظرفیت تاریخی ایران، حضور شخصیت‌های ایرانی به موازات رام ادهر مال و انجمن فلسفه میان‌فرهنگی در ایران و تلاش اساتید گران‌قدر در این حوزه، اساتید و پژوهشگران ایرانی در خارج از کشور حضور داشته و دارند که برخی با رام ادهر مال همکاری داشته‌اند<sup>24</sup> و یا برخی مانند جناب آقای دکتر رضا دهقانی که در دانشگاه وین با پروفسور اشتنگر، همکاری دارند که جهت اطلاع از آن فعالیت‌ها و تجارب و به ویژه جهت آشنایی بیشتر با رویکرد پدیدارشناختی فلسفه میان‌فرهنگی، با ایشان گفت و گو شده است.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم تا از جناب آقای دکتر انشاالله رحمتی سردبیر محترم و لطف ایشان در جهت شکل‌گیری این کار تشکر نمایم. همچنین، از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی‌اصغر مصلح و انجمن فلسفه میان‌فرهنگی که به شکل‌های گوناگون ما را در فراهم نمودن این مجموعه یاری نمودند، کمال قدردانی را می‌نمایم. زیاده بر این‌ها از سرکار خانم زینب توکلی نیز که ویراستاری و تنظیم و پیاده‌سازی گفت و گو ها را بر عهده داشتند، تشکر می‌نمایم و امید است این تلاش‌ها، رهگشای افق‌های گشوده‌تر و گام‌های فراتر گردد.

**محمد حسن یعقوبیان (استادیار دانشگاه شهید مطهری «ره»)**

<sup>1</sup> حداد عادل، 1393، ص 8.

<sup>2</sup> خاتمی، 1396، ص 455 و 467.

<sup>3</sup> همان، ص 456 و 457.

<sup>4</sup> دهقانی، 1396، ص 53.

<sup>5</sup> Paul, Gregor

<sup>6</sup> مصلح، 1397، ص 250.

<sup>7</sup> Mall, 2000, p17

<sup>8</sup> Mall, 2017, p9.

<sup>9</sup> مال، 1385، ص 17.

<sup>10</sup> Mall, 1998, P21

<sup>11</sup> Mall, 2000, p9

<sup>12</sup> Kimmerle, H

<sup>13</sup> Kimmerle, 2000, p9.

<sup>14</sup> Wimmer, 2012, p118

<sup>15</sup> Wimmer, 2009, S1

<sup>16</sup> Wimmer, 2012, p125

<sup>17</sup> مانند گرگور پاول (دهقانی، 1396، ص 49) و برخی تعبیر ادهرمال (Mall, 1995, pVIII)

<sup>18</sup> Mall, 2017, p17.

<sup>22</sup> یک استعاره هندی است دال بر نوع گفت و گوی با موضع برابر میان حکیمان و نه گفت و گوی نابرابر پادشاهان با دیگران  
<sup>23</sup> نک به: مقاله استاد زرینکوب تحت همین عنوان که چگونه می توان ایرانی بود؟ چگونه می توان ایرانی نبود؟

<sup>24</sup> جناب آقای دکتر حمیدرضا یوسفی و آقای دکتر مرتضی قاسم پور

#### منابع :

- حدادعادل، غلامعلی، (1393) مقاله چیستی، امکان و ملزومات فلسفه تطبیقی، مجله راهبرد فرهنگ، ش 28، ص 7-28.
- خاتمی، محمود (1396)، مدخلی بر فلسفه تطبیقی، تهران: نشر علم.
- دهقانی، رضا (1396)، درآمدی بر فلسفه میان فرهنگی، تهران : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- مال، ادهر مال (1385)، فلسفه مطلق نداریم، ترجمه پریش کوششی، خردنامه همشهری، ش 10، ص 56-57.
- مصلح، علی اصغر، (1397)، با دیگری، تهران : انتشارات علمی.
- Kimmerle, Heinz (2000), *Intrakulturelle Philosophie*, Zur Einfuhrung, Hamburg : Junius Verlag.
- Mall, R, A (1995), *Philosophie im Vergleich der Kulturen: interkulturelle Philosophie*, Darmstadt: Wiss, Buchges.
- (1998, *Philosophy and Philosophies Cross cultural Considered*, Topoi 17, 27-15P.
- ..... (2000), *Intercultural Philosophy*, United States: Roman & Littlefield Publishers.
- ..... (2012), Die Interkulturalitäts-debatte-Leit-und Streitbegriffe, *Zur Hermeneutik Interkultureller Philosophie*, Munchen, Verlag Karl Alber Freiburg, P40-37.
- ..... (2017), *Intercultural Philosophy: A Conceptual Clarification along with its application in teaching and research beyond the limits of Western Philosophical tradition*, Brazil: Philosophy conference in Sao Paulo.
- Wimmer, F. M (2004), *Interkulturelle Philosophie eine einfuhrung*, Wien: facultas verlags.
- ..... (2009), *Interkulturelle versus Komparative Philosophie Ein Methodenstreit?*, Zeitschrift fur Kulturphilosophie.